

بیماری هلندی (نفتی) دامن بخش کشاورزی را هم گرفت



مهندس علاءالدین آیت‌الله‌زاده

به ویژه با حساسیتی که نسبت به پسماندهای شیمیایی ناشی از استفاده بی‌رویه سموم شیمیایی در دنیاست این محصول ساده را هم نتوانیم به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر کنیم. به دلیل همین ناتوانی

ما، هویج تازه و مطلوب از هزاران کیلومتر دورتر، از استرالیا و آمریکا روزانه روانه بازار کوچکی به نام امارات می‌شود که علی‌رغم کوچک بودن به عنوان یکی از بزرگترین مراکز تجارت دنیا محسوب می‌گردد. من به عنوان یکی از کارشناسان اقتصادی کشور که عمری را در بخش کشاورزی صرف کرده‌ام، پیشنهاد می‌کنم وزیر جهاد کشاورزی به جای قولهای تعلق به محال در مورد خودکفایی در همه محصولات و تکیه بیش از حد به صادرات گندم (این که طرح خودکفایی گندم که از حدود سال ۶۲ در وزارت کشاورزی وقت به نام طرح محوری گندم و در وزارت جهاد سازندگی با تلاش کارشناسان هر دو ارگان و همدلی آنان و تقسیم وظایف در مناطق تحت پوشش طرح شروع و براساس زمانبندی پیش‌بینی شده و یاری سخاوتمندانه خداوند متعال و نزول برکات جوی در دوران وزارت ایشان به منصفی ظهور رسید) حداقل با کشورهایی که با ما سرسازگاری دارند، و فرهنگ مذهبی مشترک و پیوندهای اقتصادی و مرزی مشترک داریم با سفر به آن کشورها و ملاقات با بزرگان عرصه تولید از آنان در پیوند به بازارهای جهانی و فعالیتهای مشترک تولیدی در سرزمین عزیز ایران بهره‌مند شوند و به بزرگان بخش خصوصی آن کشورها امید و وعده همکاری و اطمینان بازگشت سرمایه بدهند تا بتوانیم صنعت نیمه‌جان غذایی را حیاتی دوباره ببخشیم. چرا که اگر دست روی دست بگذاریم و اجازه بدهیم ارزهای حاصل از فروش نفت، که دولت را برای تامین بودجه ناگزیر از تزریق دلار و یورو برای تامین ریالی بودجه به بازار می‌نماید و بدون شک بیماری مهلک هلندی را در بخش کشاورزی تشدید کرده و این صنعت نیمه جان را به زانو در خواهد آورد. امیدوار هستم دست اندرکاران اعم از مسوولین محترم دولتی، نمایندگان مجلس و صاحبان صنایع به این امر عنایت کافی داشته باشند و از تجارب و دستمایه‌های کارشناسان دلسوز و با تجربه این کشور که فعلاً راهی جز درد دل با ارباب جراید ندارند استفاده نمایند و صد البته که رسانه ملی نیز می‌تواند با تهیه و پخش برنامه‌های هشداردهنده و پیشگیری‌کننده، با حضور این کارشناسان، واقعیت‌های موجود را به جامعه و در راس آنان به مسوولین منتقل نماید تا با تلاش و دقت هرچه بیشتر آنان شاهد تجدید حیات دوباره و پیوند این صنایع با همتهای پیشرفته و قدرتمند خود در جهان امروزی باشیم.

صورتی مطمئن و برنامه‌ریزی شده مشتریان خارجی خود را از تحویل به موقع کالا با خبر سازند و رقبای قدرتمندی همچون چین را در پیش روی خود دارند، روز به روز شاهد تعطیلی و ورشکستگی واحدهای صنایع تبدیلی کشور باشیم.

از طرفی عملاً با نگاهی به آمار صادراتی کشور درمی‌یابیم که همین عدم پیوستگی جهانی باعث انکای صنایع تبدیلی داخلی به بازارهای داخل می‌گردد. قوانین بسیار ضعیف عدم کنترل و نظارت کافی بر ورود کالاها و مواد غذایی موجب هجوم کالاهای چندملیتی تحت عنوان واردات و آن هم با کیفیتی که ذکر شد می‌گردد.

(در سفر اخیر خود به خوزستان شاهد فروش یکی از محصولات همین شرکت نستله بودم که اتفاقاً در بین کودکان ۸-۲ سال به عنوان مکمل غذایی طرفداران فراوانی دارد که با گذشت ۳ ماه از انتهای تاریخ مصرف به قیمتی معادل یک هشتم قیمت کالا در هایپر مارکت‌های دبی فروش می‌رفت و مردم نیز با ناباوری تعداد زیادی از این محصولات را می‌خریدند).

در کنار این محصولات، سایر تولیدات مشابه که عمدتاً نیز برای گروه سنی زیر ۸ سال تولید می‌شود به وفور و با قیمت‌های بسیار ارزان به فروش می‌رفت. این امر نه در جایی دور افتاده که در کنار بازار مرکزی شهر آبادان اتفاق می‌افتاد و نه ماموری بود، نه واحد نظارت بر بهداشت و نه گمرک و نه یکی از دهها سازمان نظارتی (با کوچکترین اشتباه سهوی در تولید مواد غذایی در یکی از کارخانجات داخلی، آن را دهها روز تعطیل می‌کنند). درست به خاطر دارم که در همین مجله، رند و دلسوز و مطلعی در مورد یکی از محصولات غیر استاندارد تولید شده در همین کشورهای حاشیه خلیج فارس مطلبی را از روی دلسوزی نگاشته بود که بعدها از طریق مدیر مجله مطلع شدم که ضمن تهدید مجله، قصد تعقیب قضایی را هم داشتند. از آنجا که ضرورت شغلی ایجاب می‌کند معمولاً نیمی از ماه را در امارات حضور داشته باشم، با دلی پرخون نظاره‌گر بارگیری انواع و اقسام محصولات غذایی از این سرزمین کوچک به کشوری بزرگ همچون ایران می‌باشم. در حالی که انتظار این است که مسوولین به دنبال برنامه‌ریزی عمقی - منطقی برای استفاده از درآمدهای سرشار نفتی (که در طول تاریخ صدساله‌ی ما بی‌نظیر بوده است) و فرصت‌های طلایی و غیرقابل تجدید باشند تا بتوانیم خود با تعامل منطقی با بزرگان صنایع غذایی جهان، علاوه بر تامین نیاز، از محل تولید داخل به عنوان یکی از مراکز اصلی تولید و صادرات در دنیا مطرح باشیم. نه اینکه با عرضه تولید هویج در داخل

نماد و آثار اصلی بیماری هلندی در کشورمان افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی از طریق افزایش قیمت جهانی نفت بوده و به دلیل وابستگی تامین بودجه‌های عمرانی و جاری کشور، دولت به فروش ارزهای حاصله در داخل کشور و تبدیل آن به ریال اقدام می‌نماید. در واقع این درآمد به ساختار اقتصاد داخلی تزریق می‌شود و شاهد افزایش بی‌سابقه‌ی نقدینگی در مسیر تطور اقتصادی کشور هستیم و آثار آن نیز در حال حاضر مشاهده می‌شود که سطح تقاضا برای خرید کالا افزایش یافته و البته بهره‌این امر نصیب یک دهک جامعه که به قول مسوولین اقتصاد کشور ۱۷ برابر درآمد سایر دهک‌ها را دارند، شده است و متأسفانه به دلیل ضعف برنامه‌ریزی و اجرای سیاست توسعه کافی و واقعی فعالیت‌های زیربنایی نظیر بزرگراهها، راه آهن و یا ایجاد کشت و صنعت‌های بزرگ در بخش کشاورزی، اقتصاد کشاورزی را نیز از این امر (بیماری هلندی) بی‌نصیب نگذارده است و متأسفانه روز به روز شاهد افزایش بی‌رویه واردات انواع محصولات کشاورزی اعم از برنج، دانه‌های روغنی، شکر و غیره در کشور هستیم و صد افسوس که فرآورده‌های تبدیلی غذایی و آشامیدنی نیز به جمع انبوه این واردات اضافه شده است؛ به نحوی که یک شرکت آجوسازی روسی یکی از بزرگترین فروش‌های ماء‌الشعیر پس از تاسیس خود را به ایران دانسته است. این در حالی است که تولید ماء‌الشعیر در کشور از ارزش افزوده بسیار بالایی برخوردار است و حتی یک باب کارخانه تولید مالت که دستگاههای تولید ماء‌الشعیر نیز در آن به صورت کاملاً نو نصب شده و کار کرده، سالهاست در دل همین تهران بزرگ خودمان خاک می‌خورد.

نماد دیگر این بیماری در بخش کشاورزی عدم توجه سیاست‌گذاران در برنامه‌ریزی برای صنایع غذایی و آشامیدنی نسبت به ایجاد پیوندهای اقتصادی بین تولیدکنندگان داخل و شرکت‌های بزرگ تولیدی سایر کشورها است که هم آخرین تکنولوژی‌ها و دانش‌های فنی روز تولید را دارند و هم با حضوری حداقل ۱۰۰ ساله بازارهای جهانی را در مناطق مختلف بین خود تقسیم کرده‌اند و در فرایند جهانی شدن اکثر سهام یکدیگر را خریداری و تبدیل به کارتل‌ها و تراست‌های بزرگ صنایع غذایی شده‌اند (برای نمونه می‌توان به شرکت نستله که زمانی فقط تولیدکننده شکلات و شیرخشک و قهوه بود و هم‌اکنون گستره وسیعی از تولیدات غذایی و آشامیدنی را در اختیار دارد، اشاره نمود) که باعث شده است منهای کارخانجات تولید کنسانتره که آنان نیز به دلیل عدم ثبات قیمت‌های مواد اولیه نمی‌توانند به